

سیدباقر شریف‌زاده، رئیس انجمن مدیران صنایع استان آذربایجان شرقی:

## امنیت اجتماعی و شغلی

### مهم‌ترین دغدغه نیروهای مولد است

سیدباقر شریف‌زاده، رئیس انجمن مدیران صنایع استان آذربایجان شرقی، رئیس کمیسیون صنایع اتاق تبریز و همچنین نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران است. وی امنیت اجتماعی نیروهای مولد را از جمله عوامل موثر بر ارتقای بهره‌وری منابع انسانی می‌داند و معتقد است سازمان تأمین اجتماعی از اثرگذارترین نهادهای فعال در این عرصه است که با عملکرد مناسب خود و فراهم آوردن امنیت شغلی کارگران، در بهبود شرایط محیط کار مشارکت دارد. او در گفت‌وگو با ویژه‌نامه استانی آتیه‌نو بر ضرورت حفظ انسجام بخش‌های سه‌گانه سازمان تأمین اجتماعی در حوزه‌های بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی و اهمیت این انسجام و یکپارچگی برای ارائه خدمات به مشتریان که در واقع سرمایه‌گذاران و سهامداران اصلی این سازمان هستند، تأکید می‌کند. مشروح این گفت‌وگو را پیش رو دارید.

به طور سه‌جانبه در مدیریت سازمان خصوصا رویکرد اقتصادی آن بتوانند نقش خود را ایفا کنند که در آن صورت با استفاده از توانمندی تشکلهای مردم‌نهاد، می‌توان در گام اول شرکت‌های موجود تحت پوشش تأمین اجتماعی را آسیب‌شناسی و نحوه مدیریت و تکنولوژی به کار گرفته شده در این شرکت‌ها را به‌روزرسانی کرد و در گام بعد با سرمایه‌گذاری‌های جدید و متناسب، جهش اقتصادی مطلوبی در بازدهی سرمایه‌های نفعان سازمان برای آینده آنان ایجاد کرد.

■ مطلع هستید که عدم پرداخت مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از سوی برخی کارفرمایان و همچنین انباشت بدهی‌های بیمه‌ای دولت، مشکلاتی برای تأمین مالی و تأمین نقدینگی مورد نیاز خدمات این سازمان ایجاد کرده است. چه راهکارهایی برای بازپرداخت این مطالبات معوق پیشنهاد می‌کنید؟

بدیهی است مطالبات معوقه و عدم پرداخت حق بیمه‌ها مشکلات عدیده‌ای در استمرار خدمات سازمان ایجاد می‌کند و با تداوم این وضعیت، عملاً سازمان نمی‌تواند خدمات بیمه‌ای و درمانی خود را به طور مطلوب ارائه و برای شرایط اقتصادی زمان حاضر و آینده مدیریت و برنامه‌ریزی کند. با این همه، من معتقدم علل مطالبات معوقه کلان سازمان باید عارضه‌یابی و آسیب‌شناسی شود. به نظرم بخشی از آن مرتبط با نرخ بالای حق بیمه است که حتی در شرایط عادی و ایده‌آل فضای کسب‌وکار، تأمین این رقم برای بنگاه‌های صنعتی مشکل است تا چه رسد در شرایط تحریم و رکورد تورمی موجود که پرداخت آن واقعا بسیار دشوار است. در خصوص دولت، متأسفانه دولت و شرکت‌های دولتی، آنچنان خود را متعهد و مقید به پرداخت معوقات نمی‌دانند و متأسفانه چون حضور نمایندگان دستگاه‌های دولتی در هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی بسیار پررنگ شده و عملاً کارگران و کارفرمایان نقش چندانی در ارکان تصمیم‌گیری سازمان ندارند، قدرت چانه‌زنی سازمان تأمین اجتماعی برای پیگیری دریافت مطالبات معوق از نهاد دولت، کم است. برای دریافت مطالبات معوق از نهاد دولت به نظر می‌رسد در قدم اول باید به بحث سه‌جانبه‌گرایی در اداره سازمان باور و اعتقاد راسخ داشته باشیم و هرم مدیریتی سازمان باید توسط ذی‌نفعان واقعی آن شکل گیرد.



بر اساس تجربیات جهانی و استانداردهای بین‌المللی، یکپارچگی، انسجام و هم‌افزایی بین بخش‌های سه‌گانه بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی، برای ادامه حیات و فعالیت این سازمان و همچنین ارائه خدمات به مشتریان که در واقع سرمایه‌گذاران و سهامداران اصلی این سازمان هستند، بسیار مهم و حیاتی است

و بستر مناسب برای رشد و توسعه صنایع فراهم شود. به صورت مشخص در پاسخ به سوال شما در خصوص مشکلات صنایع در استان آذربایجان شرقی باید اشاره کنم صنایع استان نیز از همین مشکلات رنج می‌برند و به‌رغم ظرفیت‌های مناسب موجود در استان، هنوز بسترهای قانونی و ساختاری مناسب برای رشد و توسعه صنایع و فعالیت بی‌دغدغه صنعتگران، فراهم نیست.

■ به نظر شما انسجام و یکپارچگی سه بخش بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی، تا چه اندازه در ادامه حیات و فعالیت‌های این سازمان بیمه اجتماعی ضروری است؟

حفظ و افزایش ارزش منابع سازمان که حاصل پرداخت‌های کارگران و کارفرمایان است، مستلزم مدیریت بسیار توانمند و هوشمندی است. برنامه‌ریزی برای کاهش ریسک‌های دوران اشتغال تا دوران پس از اشتغال و بازنشستگی و همچنین تأمین مالی مناسب بازماندگان، طبیعتاً مدیریت اقتصادی شایسته‌ای نیاز دارد. از این رو حفظ یکپارچگی سازمان برای چرخه صحیح اقتصادی و مدیریت منابع مالی و درآمدی سازمان و صیانت از آن به عنوان حق الناس بسیار لازم و ضروری است. نباید فراموش کرد منابع متعلق به بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران، همواره در گزند آسیب‌های ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی است و حفظ و ارتقای ارزش این ذخایر همواره یکی از ماموریت‌های اصلی این سازمان بوده و ضروری است که بخش اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی، در چارچوب سیاست‌های کلان و درازمدت این سازمان مدیریت و راهبری شود تا امکان تأمین منابع مالی مورد نیاز در بحران‌های احتمالی فراهم شود. این موضوع، یکی از علل همان اصلاح قوانینی است که در ابتدای بحث به آن اشاره کردم و معتقدم قوانین و مقررات باید به گونه‌ای بازنگری شود که نقش و سهم شرکای اجتماعی در مدیریت و راهبری سازمان و منابع آن، تقویت شده و شائبه اداره دولتی سازمان و باز بودن دست نهادهای دستگاه‌های دولتی برای استفاده از این منابع برای مقاصد غیر از آنچه در ماموریت‌های سازمان تعریف شده، برطرف شود. البته برای بهبود و اصلاح رویکرد اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی در بخش سرمایه‌گذاری منابع، باید ذی‌نفعان اصلی سازمان، یعنی کارگران و کارفرمایان در کنار دولت

■ به نظر شما سازمان تأمین اجتماعی چگونه می‌تواند در عین حمایت موثر از نیروهای کار، در بهبود فضای کسب‌وکار نیز مشارکت کند؟

امنیت اجتماعی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های کارگران است و قانون تأمین اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی از جمله اثرگذارترین قوانین و نهادهایی هستند که می‌توانند نقش مهمی در تحقق امنیت شغلی و اجتماعی نیروهای مولد جامعه ایفا کنند. اگر منابع انسانی از امنیت اجتماعی برخوردار و به آینده امیدوار باشند، بهره‌وری این منابع ارتقا می‌یابد و این امر، تأثیر بسزایی در بهبود فضای کسب‌وکار و رونق اقتصادی دارد.

■ وضعیت فعلی خدمات سازمان تأمین اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سازمان تأمین اجتماعی همزمان با تصویب قانون تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۴، دور جدید فعالیت‌های خود را آغاز کرد و قانون مذکور هم به مرحله اجرا درآمد. این قانون، در آن زمان، قانونی بسیار مترقی بود و طی ۴۳ سال گذشته، هر چند تغییرات و اصلاحات جزئی در این قانون و همچنین ساختار سازمان به وجود آمده، ولی با توجه به تغییرات و دگرگونی‌هایی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در کشور رخ داده و ضرورت‌های جدیدی که ایجاد شده، مقتضیات جدیدی برای تغییر اساسی در برخی قوانین و رویه‌های اجرایی به وجود آمده است. به نظر می‌رسد در شرایط اقتصادی موجود و با توجه به تنوع مشاغل نوپدید و نوین و تغییرات اساسی مولفه‌های اصلی اقتصاد و نیز تغییر مولفه‌های مهم بازار کار، ضروری است قانون تأمین اجتماعی مورد بازنگری قرار گیرد و ساختار سازمان نیز متناسب با این تغییرات اصلاح شود. من فکر می‌کنم وقتی قانون و ساختار سازمان مورد بازنگری اساسی قرار گیرد، بسیاری از چالش‌های موجود سازمان از جمله روح دولتی حاکم بر سازمان، انباشته شدن مطالبات از نهاد دولت و چالش‌های دیگر هم می‌تواند حل‌وفصل شود.

■ با توجه به ارتباطی که با کارفرمایان و تولیدگران استان دارید، ارزیابی شما از مهم‌ترین مسائل و مشکلات آنها چیست؟

بخش صنعت در مجموعه بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشور از جایگاه خاصی برخوردار است و عموماً میزان پیشرفت یا عقب‌افتادگی این بخش از جمله شاخص‌های مهم در ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود. به همین دلیل بخش صنعت عموماً در برنامه‌های توسعه به عنوان بخش پیشرو مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در کشور ما به دلایلی مانند سهل‌الوصول بودن درآمدهای نفتی برای دولت، نداشتن استراتژی مدون و قانونی برای توسعه صنعتی، عقب‌ماندگی دانش فنی و متزلزل بودن سیاست‌های اقتصادی وضع شده در کشور در مقاطع مختلف، بستر مناسب برای شکوفایی بخش صنعت فراهم نبوده و نیست. در کنار این عوامل ساختاری، تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی، نوسانات نرخ ارز، کمبود نقدینگی و ضعف اساسی در سیستم و سیاست‌های بانکی و مشکلاتی نظیر عدم تناسب برخی قوانین از جمله قانون تجارت، قانون کار، قانون تأمین اجتماعی و اجرا نشدن کامل برخی دیگر از قوانین مصوب، ناکارآمدی محیط کسب‌وکار را تشدید و عملاً دسترسی به اهداف برنامه‌های توسعه را با مشکل مواجه ساخته است. با توجه به نقش مهم صنعت در برنامه‌های توسعه و نیز نقشی که صنایع در مهار و تعدیل بحران بیکاری می‌تواند داشته باشد، به نظر می‌رسد یک همت جمعی در تمام ارکان نظام، دولت و مجلس لازم است تا مشکلات موجود با تدبیر مناسب حل شده و زمینه

